هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست و پنجم شنبه ۲ قوس ۱۳۸۷- ۲۳ ذوالقعده ۱۴۲۹ - 22 November 2008

سرمقاله
دو راه برای خارجیان!؟
ص۲

سنایی غزنوی در سکوی شعر، عرفان و تصوف اسلامی
ص۴

بحران کنونی عوامل و راه حل های ارتجالی
ص۵



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان:

باید تغییر اساسی در نظام افغانستان به میان بیاید

***

حقجو مؤمن راستین، مجاهد وارسته و انسان با تقوا بود

ادامه درص۳

کنفرانس بازگشت و جابجایی مهاجران در کابل

به تاریخ ۲۹ عقرب همایش بین المللی به منظور جلب همکاری های جامعهٔ جهانی در زمینهٔ کمک به بازگشت و اسکان مهاجران و بیجا شدگان افغانستان در وزارت امور خارجه بر گزار گردید.

در این همایش نمایندگان بیش از سی کشور وسازمان بین المللی شرکت نمودند، عباس محتاج معین وزارت داخله ایران، نجم الدین خان وزیر سرحدات پاکستان، محمد عبدالرحمان معین وزارت مالیه عربستان سعودی، مهم ترین مهمانان خارجی بودند.

داکتر سپنتا وزیر امور خارجه که در این اجلاس سخنرانی نمود بازگشت حدود ۵ ملیون مهاجر را از۲۰۰۲ بدین سو در تاریخ کشور بی سابقه خواند و آن را نمونه اعتماد مردم به وضعیت جدید کشور دانست.

وزیرامور خارجه از کشورهای که در طول سه دهه میزبان مهاجران افغانستان بودند، مخصوصا از ایران و پاکستان اظهار امتنان نمود و تقاضا کرد، با در نظر داشت دشواری ها ی که هنوزهم افغانستان با آن مواجه است، مهاجران را با اجبار از کشورهای شان اخراج نکنند.

گفته می شود اکنون حدود۲,۷۵ ملیون مهاجر عمدتا در کشورهای همسایهٔ ایران و پاکستان زندگی می کنند، **ادامه درص۵**

د طالبانو مشرته د کرزي وروستۍ بلنه، سیاسي نوبت که د ناهیلۍ پایله

شفيق

اوه کاله د مخه د بُن د هغې پریکړې په نتیجه کې چې یو شمېر موسمي یارانو د مجاهدینو د قیادتونو په اعتماد کې له اخستلو پرته زمونږ د هېواد په مشرتابه او د وزارتونو په وېشلو سره معامله وکړه، ولسمشر کرزی د یرغلګرې امریکا لخوا د یو پښتون مشر په توګه د افغانستان د ولمسشرۍ لپاره په داسې حال کې غوره کړای شو چې په بُن کې راغونډو شوو افغانانو لوریو رایه هم استاد عبدالستار سیرت ته ورکړې وه.

افغانانو د کورنیو جګړو څخه د ستړتیا لامله دا هم په دې هیله ومنله چې د نړیوالو لخوا زمونږ هېوادته په پام کولو سره به نور د ماتمونو تغر تهول، او په تهولنیز عدالت، ریښتینی جمهوریت او کارونه او مسؤولیتونه به د اهلیت، استعداد او لیاقت له مخې په سپارلو سره هېواد له داډمن امنیت څخه برخمن، سوکاله او د هر اړخیزی پرمختیا **پاتې پر ۶مخ**



مبارزه با کودک آزاری، دَین دینی

آراسته

۲۹ عقرب سال روان هجری خورشیدی برابر با نزدهم نوامبر سال ۲۰۰۸ میلادی مصادف بود با "روز جهانی جلوگیری از سوء استفاده کودکان"

رسانه ها اعم از تصویری، نوشتاری و گفتاری در بزرگداشت از این روز و همسویی با کودکانی که به گونه های مختلف مورد بهره برداری قرار می گیرند، برنامه ها و نوشته های جالب و سودمندی را ارائه داشتند که مخاطب آن همه **ادامه درص۵**

قیمت نفت از بازار جهانی تا بازار افغانستان

ص۲



عوامل عدم رغبت مهاجرین برای بازگشت

هابیل

افغانستان در زمان اشغال اتحاد شوروی سابق برای دو دهه در صدر کشورهای دارای بیشترین تعداد مهاجرین قرار داشت. پس از سقوط طالبان گمان می شد، فصل مصیبت بار آوارگان به پایان رسیده و به زودی هموطنان آواره به وطن باز می گردند.

اما پس از گذشت تقریباً هشت سال، هنوز هم تعداد فراوان مهاجر در کشورهای ایران و پاکستان به سر می برند و تمایلی برای بازگشت نشان نمی دهند. مهاجرین بازگشته هم با رضایت و به صورت داوطلبانه به کشور برنگشته اند، بلکه در اثر فشار کشورهای همسایه مجبور گردیده اند برگردند، شماری از این برگشته گان در داخل کشور نیز آواره و بی خانه و بیکار اند و در کمپ های بیجاشدگان در ولایات ننگرهار، هرات، بلخ و کابل در زیر خیمه و به حالت مصیبت بار زندگی می کنند.

فکر می شود آن عواملی که مردم را مجبور نموده بود خانه های شان را ترک کنند، هنوز هم کما بیش وجود دارد. به برخی این عوامل اشاره می شود:

۱- جنگ، عامل اصلی بازدارندهٔ بازگشت مهاجران به کشور می باشد، مهاجرین اصولاً در نتیجهٔ جنگ کشور را ترک کردند، اکثریت مهاجران در دوران تهاجم اتحاد شوروی به خارج رفتند، اکنون نیز در مناطق وسیعی از کشور جنگ جریان دارد، نیروهای خارجی مناطق مسکونی را هدف قرار می دهند **ادامه درص۵**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دو راه برای خارجیان!؟

رئیس جمهور هنگام بازگشت از سفر امریکا و اروپا، در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی از رهبران طالبان دعوت کرد تا به افغانستان بیایند و به منظور آشتی و صلح با دولت روی میز مذاکره بنشینند، رئیس جمهور گفت در صورت تمایل رهبران شورشیان به مذاکره و صلح، امنیت آن ها را تأمین می کند. رئیس جمهور در این مصاحبه اظهار داشت اگر خارجیان با مذاکره و آشتی مخالفت کنند دو راه پیش رو دارند یا او را برکنار سازند و یا کشور را ترک گویند.

روشن است که رویکرد مصالحه و گفتگو برای حل بحران در کشور، در اصل سیاست خردگرایانه و قابل پذیرش است، و لازم است طالبان و دیگر گروه مسلح مخالف به آن توجه نمایند و از این فرصت برای پایان جنگ که مصیبت های فراوانی برای مردم افغانستان را در پی دارد، استفاده نمایند.

اما تا چه حد می توان امیدوار بود که اظهارات آقای کرزی نوید سیاست جدیدی است و راه را به سوی افق های روشن صلح هموار می سازد.

اگر موضوع مورد نگرش ژرف و به دور از پیش داوری قرار گیرد، متأسفانه این اظهارات چشم انداز امیدوار کننده یی را ترسیم نمی کند.

پیشنهاد آقای کرزی هم از سوی مخالفان مسلح و هم از سوی امریکا، رد گردید. سخنگوی طالبان در پاسخ آقای کرزی گفت، رهبران این گروه به تدابیر امنیتی کرزی نیازی ندارند، او باید در فکر تأمین امنیت خویش باشد. وی اضافه نمود قدرت در افغانستان نه در دست کرزی بلکه در دست خارجیان است. در گذشته طالبان خروج نیروهای خارجی را به عنوان پیش شرط مذاکره با دولت آقای کرزی اعلان نموده بودند.

امریکا نیز از این پیشنهاد آقای کرزی استقبال نکرده است، یک جنرال بلند پایهٔ امریکایی گفته است زمان مناسب مذاکره با طالبان فرا نرسیده است.

فکر می شود آقای کرزی زمان مناسبی را برای طرح سیاست مصالحه با مخالفان انتخاب نکرده است. در حقیقت وی زمان های مناسب را از دست داده است. مدتی که از زمان ریاست جمهوری آقای کرزی باقی مانده، برای طرح و اجرای این برنامهٔ بزرگ ملی زمان بسیار اندک و نا کافی است. البته این تقصیر متوجه آقای کرزی است که چرا پیشتر به فکر چنین سیاستی نیفتید.

در دکتورین ادارهٔ جدید امریکا که ت"غییر" جایگاه خاص یافته است، در مبارزات انتخاباتی از سوی اوباما و معاون وی سناتور بایدن، ضرورت تغییر در افغانستان با وضوح بیان شد. گمان برده می شود که مشاوران اوباما تغییر در حکومت افغانستان را پیشنهاد کرده اند، فکر می شود آقای کرزی نسیم تغییرات برخاسته از واشنگتن را احساس می کند و با طرح جلب حمایت طالبان و یا گرفتن امتیاز از کاخ سفید، با دست پاچگی در صدد جلب حمایت مخالفان مسلح برآمده است.

تجربهٔ سه دهه جنگ و دعوت مخالفان به مذاکره و آشتی ثابت نموده است که، متأسفانه دولتمردان افغانستان در آخرین فرصت، مذاکره و مصالحه را پیشنهاد کرده اند و زمانی پیشنهاد کرده اند که حامیان خارجی دست از حمایت آن ها برداشته اند. مخالفان نیز همیشه از مذاکره و آشتی با دولت ضعیف و به اصطلاح دست نشانده امتناع کرده اند، شاید برخی از رهبران مخالف کنونی، نامه های آشتی جویانه و ملتمسانهٔ رهبران رو به اضمحلال را در اختیار داشته باشند که به آن ها پاسخی نگفتند.

نزدیک بودن زمان برگزاری انتخابات نیز این گمان را تقویت می کند که آقای کرزی در آستانهٔ انتخابات در صدد یافتن متحدین جدید می باشد، تا برای بار چهارم خود را در چوکی ریاست جمهوری محکم نگهدارد. ادامه درص۵

قیمت نفت از بازار جهانی تا بازار افغانستان

ابوبکر سبزوار



چندماه قبل همینکه قیمت نفت در بازار جهانی روند صعودی بخود گرفت، قیمت در بازار افغانستان رشدی سریع تر از قیمت در بازار جهانی داشت. وزارت تجارت افغانستان دربرابر اعتراضات فقط به این اظهار اکتفا کرد که در نظام اقتصاد بازار آزاد، دولت حق مداخله را ندارد.

تعبیری که دست اندرکاران نظام موجود در افغانستان از نظام اقتصاد بازار آزاد دارند با هیچ تئوری اقتصادی سر سازگاری ندارد. این نظام اقتصادی نظام بازار آزاد نیست، بلکه نظام چپاولگری آزاد است. چند تاجر که وابستگی های خاصی با حلقات حاکمه دارند، در خفا برای غارت مردم با هم ساخته اند. بعضی از ارکان این حکومت هم در این خوان یغما سهمی دارند و در توجیه غارتگری شرکا، فقط قانون عدم مداخله در بازار را به رخ عوام الناس می کشند وبرای شان این مسئله هرگز مهم نیست که در نهایت، این طبقات محروم جامعه اند که باید بار گرانی نفت را که روی قیمت همه اجناس تاثیر دارد، بدوش بکشند.

نفت متاع باارزشی است که حیثیت خون را در رگ های اقتصاد دارد. حتی در کشور عقب مانده ای چون افغانستان، نوسان قیمت نفت می تواند روی اقتصاد تاثیر مستقیم داشته باشد. اما وزارت تجارت افغانستان به این مسئله توجه نداشته است. چون تجارت نفت به افغانستان یک قلم درشت وارداتی را شامل می شود و هر افزایش هرچند اندک، صدها ملیون دالر تفاوت در عاید را بار می آورد، این مسئله می تواند در مورد کم توجهی وزارت تجارت به این مسئلهء مهم شک برانگیز باشد.

در شرایطی که قیمت یک بشکه نفت خام در بازار جهانی به ۱۲۰ دالر رسید، وزارت تجارت برای مدت کوتاهی به عرضهء نفت به قیمت پائین تر از بازار آزاد آنهم به پیمانهء محدود پرداخت. ظاهرا هدف این بود که قیمت بازار آزاد تحت تاثیر قرار گیرد اما چون این کار حتی در شهر کابل نیز به پیمانهء محدود صورت گرفت، هیچ تاثیری روی قیمت های بازار آزاد نداشت و پس از مدتی چند تانک مربوط به وزارت تجارت هم قیمت خود را بلند بردند.

اما اکنون که قیمت نفت به کمتر از پنجاه دالر یعنی حدود ۳۰ درصد قیمت چند ماه پیش رسیده است، بهای نفت در افغانستان همچنان بر بنیاد قیمت بالای گذشته بفروش می رسد و وزارت تجارت در این مورد بیطرفی کامل خود را حفظ کرده است.

> **تعبیری که دست اندرکاران نظام موجود در افغانستان از نظام اقتصاد بازار آزاد دارند با هیچ تئوری اقتصادی سر سازگاری ندارد. این نظام اقتصادی نظام بازار آزاد نیست، بلکه نظام چپاولگری آزاد است**
>
> ***
>
> **مردم از خود می پرسند که چرا وقتی قیمت ها در بازار جهانی بلند می رود، در افغانستان هم بصورت همزمان قیمت ها ارتقا می یابد، اما زمانیکه قیمت در بازار جهانی نزول می کند، در افغانستان همچنان مردم باید قیمت بلند تر بپردازند؟**

در رابطه با نفت مسایل دیگری هم مطرح است. کیفیت خراب تیل وارداتی آنهم با مجوز وزارت تجارت در گذشته موجب سوالات زیادی در این مورد شد. ریاست حفاظت محیط زیست افغانستان ورود تیل های بی کیفیت را موجب بدتر شدن شرایط محیط زیست در کشور بخصوص در شهر های بزرگ عنوان کرد که می تواند به ازدیاد موارد سرطان ها بینجامد، اما مسئله صحت مردم ارتباطی به وزارت تجارت ندارد. این کار به وزارت صحت مربوط است!

ترافیک در کابل برای چند روز تصمیم گرفت تا از حرکت موتر هائی که با تولید دود زیاد موجب آلودگی هوا درشهر می شوند جلوگیری کند. اما این کار بزودی ترک شد زیرا اگر این کار را می کردند، حتی موتر های جدید هم باید متوقف می شد. بخش مهمی از آلودگی هوا ناشی از خرابی کیفیت تیل است. چه کسی مسئول کنترول کیفیت است؟

جالب است که در بعضی از تیل استیشن ها یک تانک به تیل پترول سوپر اختصاص یافته است، بعنوان مثال همین اکنون که قیمت یک لیتر پترول عادی پنجاه افغانی است، یک لیتر پترول سوپر ۶۵ افغانی بفروش می رسد.

نکتهء جالب اینکه در شهرک حیرتان که بخش اعظم تیل وارداتی از آن مسیر وارد کشور می شود، هیچ ذخیره ای برای تیل سوپر وجود ندارد! تیل عادی و سوپر از یک ذخیره بارگیری می شود! وقتی کنترول کیفیت وجود نداشته باشد، چنین فریب کاری ها امری عادی بشمار می آید. اما مگر در کشورهای دیگری که سیستم اقتصاد بازار را پذیرفته اند وضع به همین شکل است؟ آیا مثلا در امریکا یک تاجر می تواند با صحت مردم بازی کند و دولت هم خاموشانه نظاره گر جریان باشد؟

اکنون مردم از خود می پرسند که چرا وقتی قیمت ها در بازار جهانی بلند می رود، در افغانستان هم بصورت همزمان قیمت ها ارتقا می یابد، اما زمانیکه قیمت در بازار جهانی نزول می کند، در افغانستان همچنان مردم باید قیمت بلند تر بپردازند؟

در کشور های سرمایداری اگر دولت از سکتور خصوصی حمایت می کند، در مقابل، منافع مستهلکان نیز مورد حمایت قرار می گیرد که اکثریت مطلق مردم را تشکیل می دهند. اگر آقای کرزی و گروه همراهان وی به رای مردم باور می داشتند، اینگونه منافع اکثریت مردم کشور را فدای منافع یک اقلیت انگشت شمار نمی کردند.



اشاره

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت در مراسم سالگرد شهید عبدالحی حقجو آمر عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان در زمان جهاد علیه اشغالگری شوروی که به تاریخ ۲۳ عقرب سال روان در ولسوالی نهرین ولایت بغلان برگزار گردیده بود، سخنرانی نمودند که متن آن سخنرانی را به نشر می رسانیم.

باید تغییر اساسی در نظام افغانستان به میان بیاید

***

حقجو مؤمن راستین، مجاهد وارسته و انسان با تقوا بود

الحمدلله والصلاة و السلام علی عباده الذین اصطفی

با درود و سلام بر روان همه شهدای عزیز خاصتاً شهید عبدالحی حقجو و سلام بر شما مردمان متدین و همسنگران عزیز و همراهان این شهید بزرگوار!

امروز ما یاد یکی از چهره های تابناک جهاد گران را گرامی می داریم. یک شخصیت بسیار عزیز و گرانقدر و یک الگو و معلم جهاد و اخلاق عالی و الگوی برای نسل های امروز و فردای افغانستان

برادر ارجمند آقای رشید قصه های زیادی از زندگی آن مجاهد عزیز بیان نمود. من هم تاجایی او را می شناختم، حقجو مؤمن راستین، مجاهد وارسته و انسان با تقوی بود که زندگی خود را برای دین و مردم خود وقف کرد. او به عنوان یک سپاهی اسلام مطابق به آیه قرآنی **(قل إن صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین)** همه چیزخود را وقف برای خدا نموده بود. برای خود و برای فامیل خود نمی اندیشید، فقط برای دین، مردم و آزادی کشور و ساختن یک افغانستان مستقل و سربلند و اسلامی می اندیشید. او تنها یک مرد نظامی نبود او یک انسان اندیشمند بود که در روزهای سخت جهاد و مقاومت که از آسمان راکت می بارید، به فکر ساختن مادی و معنوی افغانستان بود. او در همان روزها به فکرساختن مکتب، مدرسه و سرک بود، دیگران گمان نمی کردند که افغانستان دوباره آزاد می شود، اما مجاهدان بانورخدا می دیدند که حتماً سرزمین شان آزاد می شود و باید از همین حالا خشت هایی برای تعمیر کشور بگذارند.

آنها عقیده داشتند که نباید نسل جوان افغانستان بی تعلیم و مکاتب ما بی معلم و مدارس ما بی عالم بمانند. کلنیک صحی می ساختند، درجاهایی سرک می ساختند که درسال های طولانی حکومت های قبلی درآن جا یک بیل هم نزده بودند.

همهٔ ما می دانیم در بخشی از ولایات کشور به خصوص ولایت بغلان اقوام مختلف به سر می برند و متأسفانه هنوز هم به علت عدم آگاهی و یا عدم توجه به ارزش های دینی، عصبیت های قومی وجود دارد. اما شهید حقجو به عنوان محور وحدت در میان اقوام مختلف در ولایت بغلان، با همه اطراف و اقوام روابط صمیمانه و دلسوزانه داشت.

درتعالیم اسلامی خداوند برای ما چه هدایت می دهد؟ خداوند می فرماید: **(و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أ فإن مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین)** خداوند به مومنان و مجاهدان تذکر می دهد که شما یک حقیقت را نباید فراموش کنید که جز خداوند کسی حتا پیامبر حضرت محمد "ص"، زندگی جاودانه ندارد. اما پیروان اسلام نسلی پس از نسلی می آیند و راه خداوند و سنت فرستادهٔ او را ادامه می دهند و منحرف نمی شوند.

(و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرالله شیئاً) کسانی که از تعالیم اسلام سرپیچی می کنند به خدا هیچ ضرری نمی رسانند.

قرآن کریم به ما می آموزاند که فقدان پیشوایان و نبود شخصیت های بزرگ، نباید باعث آن شود که ما راه و رسمی را که آنها در زندگی گذاشته اند فراموش کنیم.

بلی باید راه رسم نیکان تعقیب شود. امروز مسؤولیت یاران حقجو است که مشی عملی او را در زندگی پیاده کنند.

ملت ما در دوران جهاد و مقاومت شخصیت های بسیاربزرگی را از دست داد، در افغانستان امروز و فراد، هر جریانی که به قدرت برسد و هردست آوردی که در کشور ظهور کند، همه از برکت تلاش و جهاد و مجاهد مردان مؤمن به دست می آید.

ما مردمان بسیارخوبی داریم، اما مردم هایی هم داریم که ناشکر و حق ناشناس هستند. ما دیدیم که در یک مرحله، چه بسا تهمت ها و غوغا هایی به آدرس مجاهدان توسط دولت مردان ما که به برکت آنها امروز تکیه بر اریکهٔ قدرت زده اند، گفته نشد.

اگر مجاهدین مانند دیگران کشور را رها می کردند، امروز افغانستانی هم نمی داشتیم، به عنوان یک ملت باقی نمی ماندیم و جزء اقمار شوروی می بودیم.

مگر با تأسف ما دیدیم که بعد از تشکیل حکومت جدید، در مطبوعات رسمی کشور تهمت هایی علیه مجاهدین گفته شد. حرکت مجاهد زدایی و دشمنی با فرهنگ جهاد در کشور اوج گرفت. اینها تنها توسط خارجیان صورت گرفت، بلکه توسط کسانی صورت گرفت که به برکت جهاد و مبارزات مجاهدان به قدرت رسیده بودند.

امروزهمه ما باید متوجه این حقیقت باشیم و دنیا هم کم کم دارد متوجه حقیقت می شود، مسألهٔ امنیت که امروز به موضوع پر تنش تبدیل شده است. مجاهدان موفقیت هایی زیاد را در این زمینه داشتند، اگر وضع کنونی افغانستان را با دوران جهاد مقایسه کنیم، در دوران جهاد نه انتحاری بود نه اختطاف و نه دزدی.

دردوران جهاد وقتی منطقه یی آزاد می شد درآن جا اداره به میان می آمد و امنیت تأمین می شد. مردم درآرامش به سرمی بردند، دردوران مقاومت هم ما در مناطق تحت کنترل خویش امنیت داشتیم، به خاطر دارم خانمی از کشور ناروی که در ارتباط به تعلیم و تربیه خدماتی را به مردم فقیر انجام می داد، روزی تقاضا کرد تا خودش مواد آموزشی را با هلیکوپتر انتقال دهد. یک زن خارجی به درور ترین نقاط کشور سفر می کرد و موضوع ترس و اختطاف درمیان نبود.

دردوران مقاومت ملت افغانستان تنها گذاشته شد، نه این که تنها گذاشته شد، بلکه در سطح جهانی علیه ما توطیه کردند، لشکرطالب ها باتعدادی از عناصری که امروز آن ها را تروریست می نامند با حمایت کشورهای غربی و شرقی وارد قلمرو افغانستان شدند.



در افغانستان آنچه بعد از پیروزی به وقوع پیوست و مظاهر ناروا و زشتی صورت گرفت، درعقب این همه پدیده های ناروا برنامه های دشمنان بود که، ازطرف قدرت های بزرگ دنیا برنامه ریزی شده بود، آنها این برنامه ها را پنهان نمی کردند، آنها کوشیدند طرح هایی برای سرکوبی مجاهدین روی دست بگیرند، به این منظور در میان صفوف اختلاف انداختند، متأسفانه آنها کامیاب هم شدند و فتنه آفریدند.

توصیهٔ من به نسل جوان این است که افتخارات بزرگ جهاد، شخصیت های ارزشمندی چون حقجوی شهید را به الگو در زندگی خود تبدیل کنید و راه او را ادامه بدهید.

نسل جوان ما، نسل های امروز و فردای ما نباید دوره های پر افتخار جهاد خود را از یاد ببرند، باید این فرهنگ را که افتخار فرهنگ ملی و دینی ماست، حفظ کنیم.

بزرگترین عزت و افتخار برای یک ملت این است که دست آوردهای تاریخی خود را حفظ کنند، ما باید وحدت ملی را از این پیشوایان جهاد، از حقجوی عزیز و یاران او بیاموزیم. او مظهر وحدت ملی بود.

امروزجامعهٔ ما مخصوصاً حکومت ما که در فساد غرق شده است، کارمندان و مسؤولان این حکومت نیاز دارند از این الگوها درس فداکاری و تقوی و طهارت بیاموزند.

افغانستان عزیز درشرایط فعلی به امنیت ضرورت دارد. از این مجاهدان بیاموزیم که چگونه در قلمروشان مشکل بی امنیتی را حل می کردند.

امروزدر افغانستان دست هایی فعالیت دارد که بار دیگر می خواهند کشمکش های قومی را دامن بزنند. در ارگان های دولتی این مسأله را به شدت دامن می زنند. این فتنه گری و جاهلیت است که می خواهند در میان ملت ما ایجاد کنند و ما را در یک کشمکش داخلی به جان هم بیندازند.

گروه بندی سیاسی، فکری، فقهی نباید باعث کشمکش و برخوردهای مسلحانه شود. ما باید از این به بعد یک فرهنگ جدید، یعنی فرهنگ اخوت را از اسلام عزیز بیاموزیم و در زندگی خود آن را عملی کنیم. ما نباید فراموش کنیم، بخصوص برادران مجاهد متوجه این مسأله باشند که، دیروز ما با سلاح مبارزه می کردیم، امروز دیگر آن دوران گذشته است، امروز دیگر دوران مبارزهٔ فکری و فرهنگی و سیاسی آغاز گردیده است، این صحنهٔ اصلی جهاد است. دراین مبارزه نباید میدان را به دیگران بگذارند.

توصیه می کنم و شما هم به دوستان خود بگویید که اگر پروسهٔ توزیع کارت رأی دهی آغاز می شود، کارت بگیرند و باید هر کدام شما کوشش کنید که برای انتخابات آماده باشید. نظر ما و نظر مجاهدین این است که باید تغییر در کشور به میان آید. وضع سیاسی دیگر قابل پذیرش نیست، این جریان به نفع ثبات و امنیت کشور نیست.

متأسفانه اوضاع کنونی خود عامل بحران و بدامنی شده است، باید تغییر اساسی در نظام افغانستان به میان بیاید. امروز این تحول خواست ملی و خواست زمان است، البته این تغییر باید به صورت سیاسی و منطقی و سازنده صورت بگیرد.

نسل های مؤمن و مجاهد و عناصر وطن دوست باید در تغییر برای آینده سهم بگیرند. و ما وارد مرحله جدیدی از زندگی سیاسی در کشور باشیم.

ما طرفدار این مسأله بودیم و هستیم که گروه هایی که نظم و امنیت را مختل می سازند، نباشند، نهادهای دولتی تقویت شود، سلاح به دست افراد غیر مسؤول نباشد.

اما دولت داران در این زمینه صادقانه عمل نکردند، یک نوع عمل تناقض آمیز در نظام فعلی ما جریان دارد، از یک طرف می بینیم که پروسهٔ جمع آوری سلاح جریان دارد و از طرف دیگر می بینیم، جریان ملیشه سازی شروع شده است.

اگر خارجی ها این پروسه را می خواستند تطبیق کنند؟ چرا مجاهدین را که نیروهای با تجربه در قسمت تأمین امنیت و آزادی کشور بودند، به بهانهٔ این که افراد نا منظم هستند، حذف کردند؟ امروز باز حرکت ملیشه سازی برای چیست؟ چرا نمی خواهند توسط وزارت دفاع و وزارت داخله امنیت را تأمین کنند؟ یقیناً این حرکت ها به جای این که امنیت را تأمین کند، تنش های دیگری را به بار می آورد.

اولاً این جریان جنگ های داخلی دیگر را بوجود می آورد، مثلاً در یکی از مناطق نا امن، تعدادی از افراد را مسلح می سازند تا قوم خود را سرکوب کنند، شکی نیست که حتماً دیگران هم در فکر انتقام بر می آیند، درنتیجهٔ یک جنگ داخلی فرسایشی آغاز خواهد شد.

من به خانوادهٔ شهید عزیز به فرزند ارجمندی و دیگر برادران هستند، به همه یاران و همسنگران شهید حقجو و همهٔ شما توصیه می کنم که دست آورد های آن شهید را حفظ کنید.

من مطمئن هستم که اگر مردم ما از این شخصیت های ارجمند، الگو گیری کنند، جامعهٔ ما گام های بلندی به سوی اصلاح برخواهد داشت، همهٔ مجاهدین طرفدار ثبات و استحکام در کشور شان هستند، طرفدار تأمین امنیت و آبادی و شگوفایی کشورشان هستند و ما باید بکوشیم که بدبختی ها از کشورمان نابود شود و بیش از این نپذیریم که مردم در جهل و فقر و محرومیت به سر ببرند.

اجازه ندهیم کشورما میدان کشمکش های قدرت ها وکشورهای مختلف باشد. اجازه ندهیم سرزمین افغانستان میدان تجربه سلاح های کشتار جمعی کشورهای مختلف باشد.

ما باید بکوشیم افغانستان به جای جنگ به سمت و سوی صلح و گفتگو برود. ما طرفدار جدی مذاکره با کسانی هستم که آنها می جنگند، اما مذاکره و آشتی ملی و باید فراگیر باشد، کسانی را که امروز می جنگند وادار بسازیم که بیایند و سلاح را بگذارند و با سایر مردم در عملیهٔ سیاسی شریک شوند. امیدوارم که افغانستان بیش از این شاهد کشمکش و جنگ ها نباشد.

یکسال پیش در حادثهٔ بغلان تعدادی از هموطنان بغلانی ما، متعلمین، کودکان معصوم مظلومانه شهید شدند به روح همهٔ شان درود می فرستم و با تمام خانواده ها ابراز همدری می کنم، صبر واستقامت برای شان می خواهم و از بارگاه اقدس الهی با دست دعا التجا دارم که دیگر در کشور شاهد صحنه هایی غم انگیز نباشیم.

اقول قولی هذا أستغفرالله لی ولکم و لسائر المسلمین

و السلام و علیکم و رحمة الله

سنایی غزنوی

در سکوی شعر، عرفان و تصوف اسلامی

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

سنایی یکی از چهره های مطرح شعر و ادبیات عرفانی محسوب می شود، ولی سنایی نه تنها شاعر، بلکه حکیم، طبیب، منطقی و منجم نیز است

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، عارف وارسته وشاعر توانای شده ششم، از سر آمدان و برجسته گان تاریخ شعر و ادب فارسی دری است.

سنایی شاعری است، دین باور و دین محور که آموزه های دینی، چشم و چراغ و جان و جهان او را می سازد.

سنایی از پیشگامان حوزۀ شعر، تصوف و عرفان اسلامیست، و در تصوف و عرفان اسلامی، کمتر کسی به این درجه و پاکبازی رسیده است. درک وفهم عرفان سنایی از دشواری های عرفان اسلامی محسوب می شود. او از نخستین شاعرانی است که افکار عرفان و تصوف را در قالب نظم در آورده است. طوری که سنایی در زمان خویش انقلابی را در حوزۀ شعر عرفانی به وجود آورد، رنگ و قالب شعر تعویض یافت، امروز همه به تقدم این حوزه شعر عرفانی به حکیم سنایی معترف اند.مولانا و عطار استادی وی را در این عرصه پذیرفته اند.

ما عاشقان به خانه خمار آمدیم
رندان و لاابالی و عیار آمدیم
عطار روح بود وسنایی دو چشم او
ما از پی سنایی و عطار آمدیم

مولانا در مثنوی سنایی را به نام حکیم یا حکیم غزنه نام می برد وهمواره در تعظیم او می کوشد. به همین منوال احمد غزالی که از عرفای بزرگ و معاصر سنایی است، در تالیفات خود به گفتار و اشعار سنایی استمداد می جوید. در میان آثار حکیم سنایی حدیقه الحقیقه، واسطه العقد کتابی اند که کمترین کتابی به این پایه از سلاست و روانی الفاظ و دقت معنی خلق شده است.

این کتاب توانسته است راه خود را به حوزۀ ادبیات جهانی به ویژه به زبان انگلیسی باز کند.

مضمون این کتاب مشحون از آیات قرآن کریم، اخبار نبوی، آثار صحابه، کلمات تسامح، معانی دینی، اخلاقی، فلسفی و عرفانی و امثال و حکم می باشد.

از این کتاب و سایر دیوان قصاید، غزل و مثنوی های سنایی معلوم می شود که وی تبحر کامل در حوزۀ ادبیات، تفسیر شریف، حدیث، حکمت، عرفان ومنطق و سایر علوم اسلامی داشته است.

فهم معانی اشعار وی در حدیقه الحقیقه کار ساده یی نیست و نمی توان این معانی را بدون فهم رموز آن که ریشه در علوم اسلامی دارد، شناخت و به کار برد. حتا مولانا فهم مثنوی را منوط به دانستن سخنان سنایی و عطار می داند. گفته می شود که سنایی در نظم حدیقه مبتکر بوده و کسی پیش از وی نظم را به این زیبایی و اسلوب شایسته به وجود نیاروده و به این مهم نپرداخته است. طوری که خود می گوید:

کس نگفت این چنین سخن به جهان
ور کسی گفت گویا بیار و بخوان

به گفته سنایی یک بیت این کتاب به یک دیوان می ارزد.

نکتۀ گفته ام که تالیف است، سخن رانده ام که دیوانی است

کتاب حدیقه الحقیقه در حقیقت یک دورۀ حکمت عملی است که سرمشق مردم و رهنمایی اخلاق فردی و اجتماعی بشر است و حکیم در این کتاب مردم را به خدا پرستی، نیکو کاری، شجاعت، عفت ،بزرگ منشی ، عشق ومحبت فرامی خواند.

درویش نیم اگرچه کم می کوشم
دیوانه نیم اگرچه گم شد هوشم
گربی برگی بمرگ مالد گوشم
آزادی را به بندگی نفروشم

سنایی دارای نثر زیباست و بابیان شیوا چنین مي گوید: مسرور غرض و مغرور عوض نبوده ام، با عشق دمسازی نبوده ام، و باصدق دلبازی، اینک چهل سال است، تا قناعت توشۀ من بوده است فقرپیشۀ من. حرص و شهوت خواجگان را شاه و ما را بنده اند، بنگردر ما و ایشان گرت نابد باوری.

از نظر سنایی قرآن کریم دارای ظاهر و باطن می باشد، ظاهر قرآن کریم همین ساخت، بافت گفتاری، شنیداری، نوشتاری و دیداری آن می باشد. همین واژه ها که می خوانیم، می شنویم، می نویسیم و می بینیم، ظاهر این کلام مقدس است. ما در ظاهر

سنایی دارای نثر زیباست و بابیان شیوا چنین می گوید: مسرور غرض و مغرور عوض نبوده ام، با عشق دمسازی نبوده ام، و باصدق دلبازی، اینک چهل سال است، تا قناعت توشۀ من بوده است فقرپیشۀ من. حرص و شهوت خواجگان را شاه و ما را بنده اند، بنگردر ما و ایشان گرت ناید باوری.

با همین پوشش زبانی و لایه برونی قرآنکریم سر و کار داریم. باید از پس این پرده های واژه گانی قرآن کریم را بجوییم و بیابیم قرآن کریم، ریسمان و دست آویز است که خداوند فرو فرستاده تا ما بدان چنگ زنیم و خویش را بدان از سیاه چاه بیرون آوریم، نه این که آن را ابزار دکان داری، مردم فریبی و سود اندوزی سازیم. سنایی تیغ طنز و طعن را به کسانی که قرآن را وسیله زر اندوزی و مردم فریبی ساخته اند متوجه می سازد.

قرآنکریم ظاهر آراسته وباطن پیراسته و پرورده دارد. هم ساختار زبانی و ظاهری آن در روح شیوایی، رسایی و زیبایی می بخشد و هم باطن لایه های درونی آن سرشار از حقایق، معارف، رژف ها وشگفت هاست. به همین گونه قرآن کریم هم از برون و هم از دورن بر دل می آویزد و بر جان می نشیند.

مغز مغزاست حرف و سورت او
دلبر و دلپذیر صورت او

سنایی انسان ها را به لایه های باطنی جلوه های درونی قرآن کریم فرا می خواند.

دل زمعنی طلب ز حرف مجوی
که نیابی ز نقش نرگس بوی

از نظر عرفان سنایی، همانگونه که ساختار زبانی و ظاهری قرآن کریم به انسان حلاوت می بخشد، به همین پیمانه چهره باطنی و حقایق درونی آن به انسان نیرو و قوام می بخشد همان گونه که بوی یوسف را باید از پیراهن یافت.

معانی و معارف و باطن قرآن کریم را نیز باید از همین ظاهر زبانی و ساختاری، نوشتاری و گفتاری آن یافت.

پوست هر چه نه خوب و نغز بود
پوست هم پرده دار مغز بود
گرچه نقش سخن نه از سخن است
بوی یوسف درون پیراهن است

سنایی ازکسانی که دین و قرآن این وسیلۀ معرفت و حقیقت را دام دروغ و کان اندوزی و مردم فریبی می سازند، تا نان، نام و کام به دست آورند، محکم را تشابه ناسخ را منسوخ می سازند. به تفسیر ها نا روا و تاویل های نا سزا دست می یازند، گستاخ و بی پروا با کتاب خدا بازی می کنند چنین می گوید:

راد مردان رسن بدان دارند
تا بدان آب جان به دست آرند
تو رسن را زبهر آن سازی
تا کنی بهر نان رسن بازی
کرده منسوخ حکم هر ناسخ
نشده در علوم آن راسخ
تو رها کرده نور قرآن را
و زپی عامه صورت آن را
ساخته دست موزۀ سالوس
بهر یک من جو و دوکاسه سبوس
گاه سرورش کنی وگاه مثل
گاه سازی از او سلاح جدل
گه کنی بر قیاس خود تاویل
گه کنی حکم را بر این تحویل
گاه گویی رفیق جاهل را
یا نه کرباس باف کاهل را
که نویسم ترا یکی تعویذ
پاک دار ای جوان مدار پلید
لیک هدیه پگاه می باید
خون مرغ سیاه می باید
این همه حیله بهر یک دو درم
شام تا چاشتی ز بهر شکم
در یکی مسجدی خزی به هوس
حلق پر باد همچو نای و جرس
زین هوس شرم شرع دینت باد
یاد خرد یا اجل قرینت باد
با چنین خو و فعل و فرهنگت
شرم بادا که نیست خود ننگت

سنایی یکی از چهره های مطرح شعر و ادبیات عرفانی محسوب می شود، ولی سنایی نه تنها شاعر، بلکه حکیم، طبیب، منطقی و منجم نیز است. طوری که از کتاب سیر العباد او معلوم می شود که او به علوم نجوم نیز دست رسی داشته است از معدود کسانی است که راه خود را در ادبیات جهانی باز کرده است.

هر چند قبل از وی ابو سعید ابوالخیر به نظم عرفانی پرداخته است، اما از این شاعر و صوفی فقط چند رباعی محدود بدست آمده است. اما سنایی برای عرفان نظام قائم کرد، شعر او با حکمت فلسفه اخلاق وعرفان در آمیخت. آنچه در مورد سنایی و دیگران مسلم است، این است که چند نابغه در عرصه های مختلف علوم به ظهور می رسند و دیگران در دولت آن ها زیست می کنند، جامعه شاعران نیز چنین است، چند شاعر بزرگ، دنیا را تسخیر می کنند و دیگران در مدرسه آن ها شاگردی می کنند و سنایی در قطار چنین شاعران بزرگ محسوب می شود.

دعا در شعر شاعران جهاد و مقاومت

سه سخنور در سه زبان

عبدالقیوم ملکزاد

عبدالرشید مخلص یکی از شعرای جهاد است که سروده هایش در محیط هجرت گه گاه به جریدۀ مجاهد و بعضاً به مجلۀ "میثاق خون" به چاپ می رسید.

یکی از اشعار او تحت عنوان مناجات در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسیده که اینک ابیاتی از آن برگزیده می شود:

د افغان ویجاړه شان جونګړه
په خپل فضل کړی ودان پروردګاره!
د بی وزلو کونډو زنډو په خاطر نور
کړی خپلواک افغانستان پروردګاره!
د بل چا بندګی لایق مو نکړی!
تنها ستایو بندګان پروردګاره!

طوری که ملاحظه می نماییم، شاعر در این سروده، ضمن اشاره به ویرانی کشور به وسیلۀ دشمنان اسلام و وطن و طلب فضل خدا، آرزوی آزادی را دارد و در اخیر می خواهد تا خداوند از لطف و مرحمتش، وی و سایر مجاهدان را از زمرۀ بندگان خاص خودش قرار دهد.

***

از شیر آقا قشلاقی، که از شعرای احساسمند کشور است، سروده یی در اختیار قرار گرفت که "راکت پرانی" عنوان دارد.

وی این شعر را در روزگاری سروده راکت های کور از چهار آسیاب، مردم بیچاره و تهیدست کابل را مورد هدف قرار می داد و بیگناهانی را به خاک و خون می افگند.

آن سال در پهلوی مصایب جانکاه بی امنیتی، بیداد زمستان سرد نیز زندگی را برای مردم بیچاره نهایت دشوار و تلخ ساخته بود. در آن شب و روز پایتخت کشور با خون سرخ هموطنان ما رنگین و صدها خانواده از ترس و وحشت فرو افتادن راکت ها، مجبور به ترک آغوش مادر وطن شده و به غربتسراها پناه برده بودند. دو بیتی ای که به قلم قشلاقی انشاد یافته، تصویر خونینی است از وضعیت حاکم در آن روزگار! حال ببینم که شاعر در شعری خطاب به راکت اندازان چگونه دعایی دارد:

خدا غرقت کند مانند فرعون
به دنیای غم و دنیای فانی
زمستان است و مردم زار و حیران
تو آسوده به ملک دیگرانی
به جای نان گرم و چوب و هیزم
تو راکت را به کابل می پرانی

***

یکی از سرایشگران روزهای آغازین جهاد برحق ملت مظلوم افغانستان، استاد رحمت الله منطقی است.

منطقی این مرد متقی و درویش مشرب علاوه بر این که در سرایش شعر به زبان اوزبیکی ید طولا دارد، کلامش در زبان فارسی ـ دری نیز برخوردار از قوت بیان و پیام می باشد.

ابیاتی که از این شاعر فاضل در ذیل ارائه می گردد، حاوی عطر دلانگیز نیایش است که در سال ۱۳۶۶هجری ـ خورشیدی در نشریۀ وزین "میثاق خون" اقبال چاپ یافته بود. شاعر در آن سروده ضمن شرح جنایات متجاوزین از بارگاه خدا با دست دعا می طلبد که مجاهدان را در برابر ارتش سرخ و مقابله با آنها مظفر بگرداند:

بیز لره ای خالق یکتا بوگون
سن اوزینگ سن ناصر و مولا بوگون
سین گه ایتسام موعیان لرنی بیان
تا که قیلسم سین بیلن شکوی بوگون
سین گه دوریارب برابر بنده دین
عرض شکوی، جهر یا اخفا بوگون
روسلرنی ظلمی دین شکوی اگر
جهر هم ایتسم ایمس بیجا بوگون

عوامل عدم رغبت مهاجرین برای بازگشت



ادامه از صفحهٔ اول

که در نتیجهٔ آن غیر نظامیان کشته می شوند، چنانچه در سال جاری حوادث دلخراشی از تلفات سنگینی غیر نظامیان به وقوع پیوست، دو هفته پیش در یک بمباران نیروهای امریکایی بر مراسم عروسی در ولایت ارزگان، ۳۷ نفر ملکی کشته شدند.

در پهلوی بمباران هوایی قوای خارجی، شورشیان ضد دولت نیز رحمی بر غیر نظامیان ندارند و با بمب گذاری و یا اجرای حملات انتحاری در مناطق مسکونی باعث مرگ غیر نظامیان می شوند و یا آن ها را بدون دلیل و محاکمه می کشند، چنانچه یک ماه پیش طالبان حدود ۳۰ نفر از جوانانی را که جهت یافتن کار قصد رفتن به ایران را داشتند در ولایت هلمند کشتند، عده یی از این جوانان به صورت فجیعی در کنار جاده گردن زده شدند.

در پهلوی این دو عامل، عوامل دیگر مانند فساد در دستگاه دولت، نبود حاکمیت قانون، تفاوت های فرهنگی از عوامل عدم تمایل مهاجرین برای بازگشت و یا مهاجرت به خارج می باشد.

نبود اشتغال، نبود اشتغال و کار عامل عمده یی است که مهاجرین را از بازگشت به وطن باز می دارد، مهاجرین در طول سالیان مهاجرت جهت تأمین مصارف زندگی خانوادهٔ خویش کار می کردند، اکثر آن ها پیشه و کسبی را آموخته بودند و زمینهٔ کار در کشورهای دیگر برای آنها فراهم بود، اما آن ها نمی توانند در افغانستان کار بیابند، شمار از آنانی که به کشور بازگشته بودند، مجبور گردیدند دوباره هجرت کنند. بی کاری حتا باعث موج جدید مهاجرین گردیده است.

در این میان تعداد فراوان جوان جهت یافتن کار به کشور همسایه ایران مهاجرت کرده اند، ایران تعداد این مهاجران را که اکثر آن ها به شکل غیر قانونی در آن کشور کار می کند یک میلیون نفر تخمین می کند.

۳- فقر، عامل دیگر مهاجرت در کشور می باشد، هم اکنون بیش از نیم میلیون مهاجری که عمدتاً به شکل غیر قانونی در ایران به سر می برند، مهاجران اقتصادی استند که برای پیدا کردن درآمدی به ایران هجرت کرده اند، اکثریت مهاجرانی که به غرب پناهنده شده اند، مهاجران اقتصادی اند. افغانستان در گزارش ۲۰۰۷ سازمان ملل درمیان پنج کشور فقیر ترین دنیا ثبت شده بود، ممکن است، افغانستان در گزارش امسال سازمان ملل در پایان لست کشورهای فقیر قرار گیرد.

این سازمان اعلان نموده است که ۲۰درصد جمعیت افغانستان در زیر خط فقر قرار داشته نیازمند شدید مساعدت های غذایی می باشند.

۴- خشک سالی، خشک سالی چندین ساله که میزان تولید مواد غذایی را کاهش داده است، عامل اصلی فقر و کاهش تولید مواد غذایی در کشور می باشد در نتیجهٔ خشک سالی آب های مورد نیاز برای آشامیدن انسان ها و حیوانات نیز کاهش یافته است. اکثریت سکان داخلی به علت خشک سالی خانه و مزارع خود را ترک نموده به ولایات دیگر مهاجرت کرده اند.

۵- نبود خدمات رفاهی، نبود خدمات رفاهی یکی دیگر از عوامل و عدم برگشت مهاجران می باشد، کسانی که در خارج کشور به سر می برند، حتا در کشورهای همسایه ایران و پاکستان، به حد اقل امکانات رفاهی مانند برق، آموزش، خدمات بهداشتی و... دست رسی دارند، افغانستان اکنون از این نگاه در وضعیت رقت باری قرار دارد، حتا کابل پایتخت کشور از برق محروم است و سطح آموزش و پرورش در مکاتب و مراکز تحصیلی، بسیار پایین می باشد. اگر چناچه کسی کوچکترین امکان برای زندگی در خارج داشته باشد، به هیچ وجه آمادهٔ بازگشت به کشور نخواهد شد. برخی از این افراد که خطر تجربه کردن چنین زندگی را پذیرفتند و برگشتند مجبور گردیدند دوباره راه خارج را در پیش گیرند.

عوامل مهاجرت و یا عدم برگشت مهاجرین به این موارد خلاصه نمی شود، بلکه عوامل متعدد دیگر مانند ضعف حکومت در برقراری نظم و فساد اداری، تفوت های فرهنگی و عوامل دیگر در این مساله تأثیر گذار می باشد.

جهت بازگشت مهاجرین دولت و جامعهٔ جهانی باید عوامل مهاجرت در کشور را از میان بردارند، میزان فقر را در کشور کاهش دهند، زمینهٔ اشتغال و کار ایجاد کنند، راه حل برای جنگ و بحران در کشور بیابند و برای تأمین امنیت و حکومت داری خوب و عرضهٔ خدمات اساسی بهداشتی، آموزشی و رفاهی را بهبود بخشند، و اگر چنانچه این عوامل از میان نرود، مهاجران آمادهٔ بازگشت نمی باشند و حتا شمار دیگر در فکر فرار از کشور می باشند.

کودک آزاری، دَین دینی ...

برنامه ها و نبشته ها، اغلب بزرگ سالان بودند، و شاید آن قشری که آن همه برنامه به خاطرش تهیه شده است، از آن کمتر بهره برده باشد.

به هر ترتیب باوجودی که ما از نامگذاری روزی به نام جلوگیری از سوء استفادهٔ کودکان، تقدیر به عمل می آوریم، یادآور می شوم که کارهای ما نبایست کارهای به گونهٔ "مجرایی" باشد که افغانستان نیز در قطار سایر کشور های جهان در روز ویژه یی، همه برنامه و دار و ندارش در چند برنامهٔ تصویری، مصاحبه های رادیویی و یا چند گزارش و مقاله خلاصه گردد.

مردم افغانستان به برکت باور و اعتقاد راستین شان به آئین انسان ساز اسلام و آموزه های سراسر خیر و عطوفتش می توانند در مبارزه با سوء استفاده از کودکان، رهگشای جهانیان باشند.

مردم ما به آیینی باور دارد که کتاب جاودانه اش همه را دستور می دهد" ولاتنابزوا بالالقاب " که مردم را از نسبت دادن لقب های بد بر یکدیگر که به روح و روان انسان ها اثرات ناگواری دارد، منع می نماید، چه جای که در برابر کودکان به عملی متوسل گردد که سبب اذیت جسمی ایشان گردد.

امروز ما در خیابان های شهر های بزرگ به ویژه در خیابان های کابل زنانی را مشاهده می کنیم که کودکان شان رابالای زمین سرد و نمناک به گونهٔ رقت آور و با لباس های چرکین می خوابانند و ایشان را وسیله ای برای به دست آوردن پول قرار می دهند، که انسان با شک اندر می شود که آیا مادر به همین اندازه قسی القلب می گرددکه کودک معصومش را این گونه بیدردانه بر زمین نمناک بخواباند، چرا کودکش را در آغوش خود نمی گیرد و یا چادرش را بالای پاهای چرکین و ترقیدهٔ او پهن نمی کندتا حداقل جلو سردی را بگیرد و یا در فصل گرما با چادرش برسر او سایه کند، کاری که از دست او ساخته است.

در برابر این بیدردی مادران، آیا موسسات خیریه در کشور با چند ارگانی که بخشی از وظایف شان وارسی احوال مظلومان و مستمندان است، چرا توجهی به کودکان نمی کنند.

رئیس جمهور از ممنوعیت" گدایی گری " در بزرگترین مجلس اجرایی کشور حرف می زند؛ اما در عمل هیچ نوع اثری از آن نمی بینیم.

امروز در جامعهٔ ما قشری زندگی دارد که از برکت جهاد ملت مجاهد ما صاحب ثروت های فراوان اند، خانه های پهلو به پهلو، بلند منزل ها، تجارت های دبی و اروپا، آپارتمان ها و خانه ها در شهرهای دیگر جهان، موتر های قطار قطار، زمین های نمره شده برای فروش و ... اما متأسفانه ضمیرهای همه مرده است، ایشان با آن ادعاها و ظاهرالصلاحی ، هیچگاه برین فکر نیفتاده اند تا در این راه پیشقدم گردند، موسسه و یا نهادی را برای دستگیری از کودکان بنیاد نهند و مدارسی را جهت تربیت همین قشر آسیب دیده تأسیس نمایند.

اما در مورد جلوگیری از سوء استفادهٔ کودکان شاید یکی از راه های آگاهی دادن به مردم در پهلوی برنامه های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه ها و جراید و ... بهره برداری از منابر مساجد باشد. امامان جمعه بایست در خطبه های شان از رحم و شفقت بر کودکان، از روش پیامبر با خردسالان، از کفالت یتیم و سرپرستی اطفال بی بضاعت، سخن زنند و مردم را به این وجیبهٔ دینی شان متوجه سازند.

اگر جهانیان کودک آزاری را، عملکرد ضد اخلاقی می دانند، ما مسلمانان در پهلوی آن که جهاد برضد همه کودک آزاران فاسق و فاجر را اعلان می نماییم، و مبارزه برضد کودک آزاری را دَین دینی و رسالت اسلامی خود می دانیم.

سرمقاله ...

برای یک برنامهٔ موفق اضافه بر انتخاب زمان مناسب، جامع بودن و فراگیر بودن آن نیز اهمیت حیاتی دارد. برنامهٔ حل سیاسی بحران باید دیدگاه ها و خواسته های تمام گروه های سیاسی و قومی جامعهٔ افغانستان را بازتاب دهد و در تدوین و اجرای آن این گروه ها نقش داشته باشند.

اما طرح گفتگو مصالحهٔ آقای کرزی متأسفانه، از چنین جامعیت برخوردار نیست. از گفتگوی آقای کرزی با طالبان مراجع رسمی و قانونی مخصوصاً شورای ملی در جریان گذاشته نشده است، به همین اساس این شورا از دولت خواسته است تا در مورد این مذاکرات توضیح ارائه نماید، حتی برخی از اعضای حکومت کرزی مانند وزیر خارجه در مورد این گفتگوها اظهار بی اطلاعی و نارضایتی نمودند.

گروه های سیاسی و جامعهٔ مدنی افغانستان، از جریان این پروسه دور نگهداشته شده اند. این مذاکرات که روی سرنوشت مردم و کشور صورت می گیرد، باید حمایت کل جامعه برای موفقیت آن جلب گردد، اما متأسفانه به شکل مرموز و سؤال برانگیز صورت می گیرد و به یک پروژهٔ خصوصی و خانوادگی تبدیل شده است.

حل بحران کشور مستلزم مشارکت تمام گروه ها در افغانستان و تدوین ساختاری است که بتواند این مشارکت جمعی را به صورت پایدار و استوار سازمان بدهد.

کنفرانس بازگشت و جابجایی ...

اما گمان برده می شود که شمار مهاجران افغانستان بیشتر از این رقم می باشد. مخصوصا در ایران صدها هزار کارگر افغانستان به شکل غیر قانونی به سر می برند.

در قطع نامه که در پایان این همایش انتشاریافت حکومت افغانستان و آژانس امور مهاجرت سازمان ملل تعهد نمودند که فعالیت های خویش را جهت کمک به بازگشت و جا به جای مهاجران و بیجا شدگان افزایش دهند.

در این قطع نامه تصریح گردیده است که بازگشت مهاجران به تنهایی موفقیت نیست، بلکه لازم است در جهت تامین خدمات آموزشی، صحی، آب آشامیدنی و برق و مسکن اقدامات کافی انجام می یابد. در این اجلاس پیش بینی شد که از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ در مدت پنج سال ممکن است از ۴۰۰۰۰۰تا یک ملیون مهاجر به وطن بازگشت نمایند، طبق برنامه وزارت عودت مهاجرین برای اسکان و تامین خدمات اساسی برای مهاجران بازگشته تا ۵ سال دیگر به ۵۰۹ ملیون دالرنیاز است.

کنفرانس بین المللی بازگشت مهاجران در زمانی برگزار می شود که کشورهای همسایه پاکستان وایران خواهان بازگشت سریع مهاجران می باشند، سال گذشته ایران شمار زیاد مهاجران را از آن کشور اخراج نمود که موجب مشکلاتی فراوان برای آن ها گردید، به دنبال این حادثه وزیر خارجه در پارلمان مورد استضیاح قرار گرفت.

پاکستان نیز خواهان بازگشت مهاجرین می باشد، پاکستان قبلا اعلان نموده بود که تا دو سال دیگر مهاجران را از پاکستان اخراج می کند.

مهاجران افغانستان بنا بر مشکلاتی مانند فقر و بیکاری، جنگ، نبود خدمات اولیه، آمادهٔ بازگشت به کشور نبوده، تلاش دارند، به هر صورتی که شده زمینه زندگی برای آن ها در خارج کشور ممکن باشد.



بحران کنونی

عوامل و راه حل های ارتجالی

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

زاد و ظهور بحران ها در جوامع انسانی امری است آشنا و قابل فهم که بنا بر عوامل مختلف و غیر طبیعی، جوامع انسانی را آماج حمله قرار می دهند و نهادها و مجموعه های انسانی در چار چوب زعامت های سیاسی کشورها و نهاد های مدنی در تدارک راهکارهای برای حل آن می شوند، تا زندگی ملت های آماج بحران را نجات دهند و زمینه ساز امنیت و آرامی و ایجاد شگوفایی و رفاه در زندگی ملت ها دچار بحران گردند.

البته این بحران ها از کشوری تا کشور دیگر تفاوت دارد، ریشۀ تفاوت را باید در عوامل بحران جست.

افغانستان از چندین دهه بدین سو، در آتش بحران می سوزد و دار و ندار آن در کام این بحران ها فرو رفته است. نه تنها این بحران ها مهار نشدند که دامنۀ آن ها از سالی تا سالی دیگر گسترده تر شده است و پیچیدگی آن ها بیشتر. برخلاف سایر جوامع که بحران در آن ها حالتی است، استثنایی، گویی بحران در این کشور حالت اصلی می باشد.

در بررسی عوامل بحران افغانستان می توان چند نکته را در محراق توجه قرار داد که به گونه گذرا به آن ها اشاره می شود:

۱- ماهیت و سرشت انقلاب رهاییخش و اشغال ستیزانۀ مردم افغانستان که به دور از معیارهای پذیرفته در سایر انقلاب ها، قدرت های ذی نفع در منطقه را به چالش گرفت.

۲- سیاست های آزمندانه کشورهای همسایه که برای تامین منافع ملی خویش در افغانستان سرمایه گذاری نموده و با هر حرکتی که آن را در تضاد با منافع ملی خود احساس می کنند به مخالفت بر می خیزند، بدون این که توجهی به حاکمیت ملی افغانستان داشته باشند.

۳- سیاست های کلان جهانی که بعد از تک قطبی شدن جهان بخاطر تامین منافع استراتیژیک دراز مدت خویش، در مناطق و ساحه های نفوذ رقبای خویش به برنامه ریزی می پردازد.

ناگفته نباید گذاشت که در شرائط کنونی که جهان حیثیت دهکدۀ کوچک را به خود گرفته است، هیچ کشور نمی تواند بدور از سایر کشورها در سطح منطقه و جهان به زندگی خود ادامه دهد و بار مشکلات ملت خود را به دور از همکاری دیگران به پیش برد، و این چیزی است که منطق انسانی هم بر آن تأکید می ورزد که هر کشور با کشور های نزدیک و دور در تفاهم بوده و در موارد لازم به تبادل افکار بپرازند.

نکته مهمی که زمینه زاد و ظهور بحران ها را آماده می سازد، همانا تاکید بر سیاست های برتری جویانه قدرت های منطقه ای و جهانی و استفاده از منطق برادر بزرگ است. از دیدگاه برادر بزرگ آن باید فرهنگ و اقتصاد و ویژگی های ملی و افتخارات مادی و معنوی، همه وهمه در خدمت تامین منافع ملی برادر بزرگ و سیاست بر خوردار از قدرت در سطح منطقه و جهان قرار گیرد.

بدون شک تعقیب همین سیاست است که قدرت های بزرگ، نیروهای مخالف خویش در کشورها به ویژه کشورهای اسلامی را متهم به بنیاد گرایی، تروریزم و ... می نمایند. و این خود عمده ترین عامل در ادامه بحران در کشورهای اسلامی به ویژه افغانستان است.

بحران کنونی افغانستان که خود زاده سیاست های منفعت جویانه ونا آگاهانه قدرت های ذی نفع در این کشور می باشد اکنون بهٔ مرحلۀ رسیده است که همه را گیج و سرخورده کرده است.

از یک طرف کار گردانان جنسه بن که بدور از اراده مردم این کشور، مقدرات آینده آن را بدون در نظر داشت واقعیت های ملی، ترسیم کره و حکومت برخاسته از این جلسه را به حیث یک حکومت نمونه و الگو برای کشورهای اسلامی در رأس عراق، عنوان می کردند، اکنون خود به ناکامی جنسه بن اعتراف نموده و کاستی های آن را به خوانش می گیرند- کاستی های که از همان آغاز نیروهای جهادی ملی در رأس زعامت جهادی استاد ربانی آن را مطرح و سرنوشت نا معنوم آن را پیش بینی می کردند.

کاستی های که حالا بارنت روبین و احمد رشید تحت عنوان "بازی بزرگ و معمه بزرگ" مطرح نموده اند و راه حل نوی را در مورد بحران افغانستان پیشکش نموده اند.

پرسش اساسی که در ارتباط به راه حل این بحران کنونی افغانستان باید مطرح کرد این است که آیا این راه حل ها ارتجالی خواهد توانست، افغانستان را از این بحران ویرانگر نجات دهد؟ یا این راهکارهای سلیقه یی برخاسته از کارزار "جنگ تمدن ها"ی ساموئیل هانگتینتون که در راستای تحمیل یک فرهنگ و تمدن، بر فرهنگ وتمدن دیگراست، خواهد توانست نقش کنونی حاکم بر کشور را مرفوع و افق امیدی را در برابر این ملت بگشاید.

آیا این راه حل ها توان آن را خواهد داشت که مخالفان کنونی دولت را که در اثر کشتارهای بدون دلیل افراد ملکی توسط بمباران های نیروهای هوایی ناتو مشروعیت بیشتر کسب می کند، بر سر میز مذاکره بیاورد؟

و پرسش های از این قبیل...

تأمل در واقعیت های ملی و فرهنگی کشور و سابقۀ تاریخی آن می رساند که همچو راه حل های ارتجالی که بدور از واقعیت های جامعه افغانی، توسط دولت وگروه های همسو به آن و یا به توسط نیروهای خارجی نا آشنا به واقعیت موجود دراین جامعه عنوان می شوند، فاقد اثر بوده و جزاین که کوبیدن آهن سرد باشد چیزی دیگری نمی توان از آن توقع کرد.

در این وقتی که در جامعه ما بحران عدم اعتماد در میان ملت و دولت و بحران بی باوری به صداقت نیروهای بین المللی در چارچوب ناتو حاکم است و ملت تجربه این را نه تنها بحیث یک تجربه ناکام بلکه آن را به حیث یک برنامه هویت زایی تلقی می کنند، آیا می توان به تجربه های چون تجربه های گذشته که بدور از اداره ملت برنامه ریزی شده است اعتماد کرد؟

هر حرکتی که در راه تنش زدایی در این کشور صورت می پذیرد، باید اعتماد ملی و وحدت نظر در میان مردم را به دست آورد تا به مردم اطمینان دست دهد که این نیروها در راستای پایان دادن به بحران کار می کنند نه برای ادامه واستمرار آن.

و دیگر این که این نیروها باید از آن برنامه های جلوگیری کنند که به کمک آن ها از طریق رسانه ها نوشتاری، شنیداری و تصویری به عقاید و باورهای مردم در تضاد می باشد.

و حرف آخر هم این که نادیده انگاشتن زعامت های ملی و شخصیت های مردمی در حل قضایا و تکیه بر افرادی که فاقد شناخت وقعیت های ملی اند، عامل دیگری در عدم موفقیت برنامه های این نیروها بوده و همه کارهای آن را نقش بر آب خواهد ساخت.

ادامه سیاست های کنونی که در سطح دولت و نیروهای بین المللی گام دیگری در تشدید بحران کنونی بوده، وضع فعلی ایجاب می کند تا سیاست های قبلی مورد بازنگری قرار گیرند در غیر آن ناکامی نیروهای بین المللی و فاصله میان نیروهای ملی بیشتراز پیش گسترش خواهد یافت و وضع طوری که پیش بینی می شود بد تر خواهد شد، چیزی که قربانی آن باز هم ملت خواهد بود و بس.

د طالبانو مشرته د کرزي وروستۍ بلنه...

په لوري روان کړي. خو دغه. ګردواره د ولسمشر کرزي د خولې شعارونه بې عمله او لاپې وې؛ ځکه ولسمشر کرزي په خپل کاري ټيم او ډله کې د هېواد د با دردو، خپلواکو او عملي او ملي شخصيتونو پر ځای هغه مافيايي ډله راټوله کړه چې نه په ولس کې محبوبيت لري او نه هم کومه کاري وړتيا. نه لري او نه هم خدمتونو پاکه سابقه؛ بلکې هغسې څېرې هم د ولسمشر د کاري ډلې مهرې دي چې د پخواني کمونيست رژيم په زمانه کې يې د خاد د جاسوسي سازمان د خدمت وياړ هم لرلو او زمونږ د هېواد نابغه سياسي شخصيتونه او ملي زعامتونه يې ژوندي د خاورو لاندې کړي ؤ؛ د هغوی د خپلو پخوانيو انسان وژونکو ايډيالوژيو سره د تړاو يو ثبوت په افغانستان کې د کمونستي رژيم د يو فرهنګي مفکر نږدې له دريو مياشتو راهيسې د پوهنې وزارت په يوه بنيادي پروسه کې په لوړ ډالري معاش ګمارنه او د هغې د باطلې مفکورې د نورو پېروانو ځای پرځای کوونه ده.

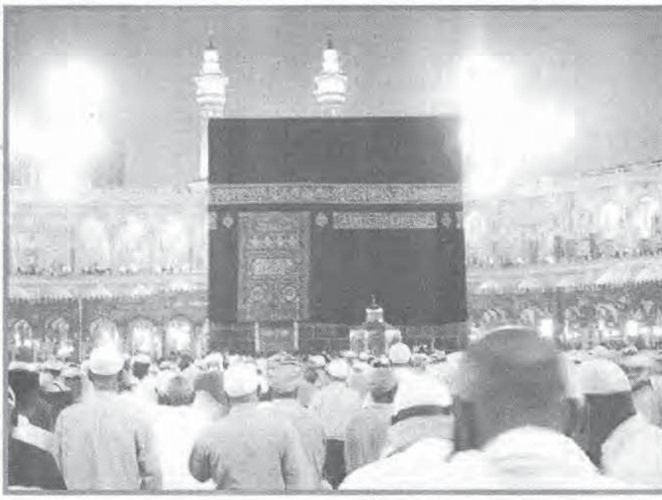
همدارنګه د ولسمشر کرزي د مشورې وړ خلک هغه څوک دي چې لاتر اوسه نيمايي کمونيست ايډيالو او نيمايي په ژبنيو شعارونو نغمه وهونکي طوطيان برېښي. د دې دولت له ټولو ستر شعار د ملي وحدت پياوړتيا وه، خو د نابالغه سياسي يارانو په نوبت او د بنسکېلاګرو په هڅوونو نن د هېواد په ګوډ ګوډ کې د اسلام پالنې، هېوادنۍ مينې او ملي وحدت د ټينګښت پرځای د ژبني لوړتيا غوښتونکو راج قايم دی. او دا هغه غوښتنه وه چې اسلام دښمنه څېرو زمونږ د هېواد لپاره د سياسي استراتېژۍ په توګه پلان کړې وه او مظاهر يې د بېرنۍ او آساسي قانون په جرګو کې هم په سترګو کېده، د اسلام پالنې دښمنان په دې پوهېده چې د ايډيالوژيو په بنياد په جرګو او پارلمانونو کې د افغانانو ويش او بوخت ساتل د اسلام پالو په ګټه دي نو ځکه يې د قوم او ژبې تړاو نه وخلول خو د ژبنيو ګټو په خوندي کولو سره اسلام پلوي له سوري لاندې راولي.

د ولسمشر کرزي پلويانو د تېرو ټولټاکنو پر مهال وکولای شول چې د قرنطين د نوي وسلې په برکت هغه خلک له پارلمان څخه لېرې وساتي چې د دوی د ګټو پرخلاف ؤ، د تش په نامه ټولټاکنو له لپاري کرزي له دې لامله چې نه يې کوم ګوند لرلو او نه هم د افغانستان په پراخو پرګنو کې پخوانی شهرت، دې ته اړ شو چې د خپل واک د ساتلو په منظور د زر او زور خاوندانو ته په خپل خوا کې ځای ورکړي او هم د پرديو سره تړاو لرونکو او يو شمېر په مخدره توکو تورن څېرو ته او د بشپړ ملت پرځای له بهرڅخه راغلېو پرملت باندې د وينو سوداګرانو ته د قدر په سترګه وګوري. چې له همدې لامله خو د ولسمشر کرزي پلويانو د آساسي قانون په جرګه کې د دوه ګونې تابعيت او آزاد بازار څخه دفاع کوله څو په دې ترتيب د دوی ګډې مافيايي ګټې خوندي پاتې شي له ټولټاکنو وروسته ولسمشر کرزي د ولس پالنې پرځای د زورورو او پانګوالو پالنه وکړه نو ځکه اوس ولس پر يوه او کرزي پر بله روان دی. کوم کار چې کرزي په خپل سياسي برخليک له مټې سره مخ کړ او د بن د پريکړې پرمهال له کرزي سره معامله کوونکو جهادي شخصيتونو چې اوس له کوم يو نيم پرته نورو خپله لېره جلاکړې. کرزي يې دې ته اړويست چې د پښتو د کارت په استعمالولو سره د طالبانو سره د جوړ جاړې خبره زمزمه کړي چې په دې وروستيو کې د سولې مذاکرات او د طالبانو مشرته په دې اړه مذاکراتو بلنه د همدې هڅې يوه کړۍ ده څو کرزي په راتلونکو ټولټاکنو کې نوې ملګري پېدا کړي خو ترکومه چې د سياسي شنونکو له نظره د دې خبرې د امکان خبره دده چې آيا طالبان يا حکمتيار به په کرزي باور وکړي او که نه؟ نو دا خبره ځکه له امکانه لېرې برېښي چې د امريکا په ملاتړ افغنستان ته د کرزي د ولسمشر په توګه راتګ چې د طالبانو او حکمتيار پرخلاف د سرتاسري عمليتو او د هغوی د ژوند له ګوابښ سره د مخ کولو لړۍ ورسره يو ځای وه. ښايي چې د کرزي دا هېله هم ناشونې کړي. ولې چې د طالبانو د وياند لخوا د کرزي د وروستۍ بلنې چې ملامحمد عمر ته يې د ژوند ته د خونديتوب د ضمانت ورکولو په عنوان ورکړه، که نومړي د سولې لپار غوره کړي، په دې الفاظو رد شوه چې ملاعمر او طالبان دا ډول امنيت ته اړتيا نلري چې ترڅو بهرنۍ پوځونه په هېواد کې اوسي د سولې خبرې بې معنی دي او همدارنګه د طالبانو له وروستني ځواب سره سم د ولسمشر کرزي لخوا په دې وروستيو کې پولينډ. بيا نېويارک و لندن ته د سفرونو لړۍ چې نومړی په کې د "اوباما" سره په لېدنه هم بريالی نشو ترڅو د خپلې کړې وعدې په اړه ورته شننه اشاره وکړای شي. نور هم ولسمشر کرزي له ناهيلۍ سره مخ کړ او د خپل ولس څخه د لېرې والي لامله دهغوی هره هڅه کوم سياسي نوبښت نه؛ بلکې د پرله پسې نه هيلو پايله ده. او اوس دا خبره پخه شوې چې افغان ولس نوي زعامت و قيادت ته اړتيا لري

احکام حج

بخش دوم

عبدالمعین شاهد



طواف:

طواف به معنای دور زدن است، طواف درحج عبارت ازهفت باردورزدن به اطراف کعبه می باشد. ترتیب تمام طواف ها تقریبا یکسان است، شخصی که می خواهد برای حج ویا عمره ویا نفل طواف کند، نخست روبسوی کعبه می نهد بصورتی که حجرالاسود در پهلوی راست وی قرارگیرد، پس از آن حجرالاسود را می بوسد، اما اگر ازدحام باشد، با دست آن را لمس می کند واگردست زدن هم به علت ازدحام ممکن نباشد، رو به سوی حجرالاسود می کند و با دست خویش بسوی سنگ یک باراشاره می نماید ومی گوید بسم الله والله اکبر. سپس ازسنگ مرمر جگری رنگ که برسطح مسجد قرار دارد ودرجانب راست وی چراغ سبز دردیوارمسجد نصب گردیده است، به دور زدن آغاز می کند، البته در دور زدن کعبه در دست چپ قرار می گیرد. همچنان رکن یمانی را نیزلمس می کند، واگر نتواند آن را لمس کند، با دست اشاره می نماید.رکن یمانی زاویه یی است که پیش از زاویهٔ حجر الأسود قرار دارد.

در سه دور نخست قدری سریع تر می رود که آن را (هروله) می گویند و در چهار دور باقی مانده با نرمی می رود. در طواف هایی که به دنبال آن سعی باید انجام دهد، دست راستش را از لباس احرام بیرون آورد که این کار را (اضطباع) می گویند.

طواف را باید بدون وقفه و به صورت پیهم انجام دهد، اما اگر نماز جماعت بر پا شود طواف را قطع کند و نماز بگذارد، پس از نماز از جای که توقف نموده از سرگیرد. همچنان می تواند جهت آشامیدن آب و رفع خستگی توقف نماید.

طواف در طبقه دوم و سوم مسجد نیز انجام می یابد، طبقه های بالا به علت وسیع بودن دایرهٔ طواف، مدت زمان بیشتری را در بر می گیرد، اما چون ازدحام در بالا کمتر است، راحت تر طواف صورت می گیرد.

با وضو بودن و ستر عورت نیز در طواف لازم است.

طواف چند نوع است، طواف قدوم، طواف زیارت، طواف وداع، طواف عمره وطواف نفلی. طواف زیارت فرض است, طواف وداع واجب است, طواف قدوم در حج افراد سنت است و طواف نقلی مستحب است.

نماز خواندن

پس از طواف در عقب مقام ابراهیم دو رکعت نماز بخواند، اگر در آنجا جای نباشد، در جای دیگری از مسجد نماز بخواند.

آشامیدن آب زمزم

پس از نماز به مجل چاه زمزم برود و سرو روی خود را بشوید و از آن بنوشد، اما چون حالا سر چاه را پوشانیده اند، از ترموزها آب بنوشد.

دعا درملتزم

ملتزم دیوار کعبه شریف میان دروازه وحجرالاسود می باشد. دعاکردن در ملتزم ثواب زیاد دارد، درصورت امکان به پرده های کعبه چنگ زده شود و بر دیوار وپرده خودرا بچسپاند، اما اگر ازدحام باشد ونتواند چنین کند رو به کعبه به دعا بپردازد.

سعی میان صفا ومروه

سعی میان صفا ومروه عبارت از راه رفتن وپیمودن مسافه میان صفا ومروه می باشد، صفا ومروه عبارت از دو تپهٔ سنگی کم ارتفاع در جوار مکه می باشد. این دو تپه ۴۲۰ متر از یکدیگر فاصله دارندکه اکنون درکنار مسجد الحرام قرار گرفته وبه شکل سالونی دوطبقه روی آن را پوشانده اند،کسی که در صدد انجام سعی باشد، نخست بر صفا بالا می شود رو به سوی کعبه می نهد ، تکبیر می گوید، برپیامبر درود می فرستد ودعا می کند، از آنجا به سوی مروه با رفتار عادی روان می شود، درنیمهٔ راه در میان دو میلهٔ سبز رنگ که با چراغ های سبز نشانه گذاری شده کمی سریع تر حرکت می کنند، این را (هروله) می گویند. زنان هروله نمی کنند وبصورت عادی راه پیمایی می کنند. با رسیدن به مروه نیز بر فراز آن بالا می شود، درآنجا نیز مانند صفا روبه سوی قبله می آورد، تکبیر می گوید ودعا می کند وبر پیامبر درود می فرستد.

یک بار رفتن از صفا تامروه، یک بار سعی حساب می شود، هفت بار میان صفا ومروه راه پیمایی می کند. سعی را از صفا باید آغاز کند، اگر از مرده آغاز کند، سعی او درست نیست، باید دوباره سعی کند، و این بار از صفا شروع نماید. سعی نیز باید پیهم انجام یابد اما به جهت ادای نماز جماعت، آشامیدن، و رفع خستگی می تواند توقف نماید و سپس به سعی ادامه دهد.

در طبقه بالا سالون نیز، مانند طبقه زیرین سعی صورت می گیرد وکوشش شود، وقتی که ازدحام کاهش یابد به سعی بپردازد.

سعی همیشه پس از طواف صورت می گیرد.

جمره یا سنگ زدن

جمره به معنای سنگچه است، در این جا به معنای جای جمع شدن سنگچه ها می باشد.

جمره سه موضعی است, در گردنهٔ منا نزدیک به مکه که در امتداد یک دیگر واقع شده اند، موضع اول جمرهٔ خورد، موضع دوم جمرهٔ وسط وموضع سوم جمرهٔ عقبه یا جمرهٔبزرگ نامیده می شود.اکنون دراین موضع جهت جلوگیری از ازدحام و زیر پاشدن مردم که چند بار اتفاق افتیده وتلفاتی به دنبال داشت، پل چند طبقه ای ساخته اند که مردم از زیرپل و از بالای آن سنگ می زنند.

جاجیان از ۱۰ تا ۱۳ ذوالحجه به مدت چهار روز پیهم، جمره هار سنگ می زنند، روز اول یعنی روز دهم ذوالحجه که مردم از مزدلفه باز می گردند، تنها جمره عقبه را که نزدیک ترین آنها به مکه است سنگ می زنند. زمان سنگ زدن در این روز، از طلوع آفتاب تا ظهر می باشد، اما پس از ظهر هم می شود سنگ زد. توجه داشته باشید که در ساعات اولیه صبح یعنی ازهشت تا ده صبح, محل جمره ها بسیاز ازدحام است، چون بیشترین حاجیان کوشش می کنند پیش از دیگران خودرا به مکه برساند و در نمازعید در مسجد الحرام شرکت کند. اگر کسی ضعیف باشد بهتر است، کمی منتظر بماند تا ازدحام کاهش یابد و پس از آن سنگ بزند، حتا در صورت عذر می تواند پس از ظهر سنگ بزند.

در روز دوم عید یا یازدهم ذوالحجه، هرسه جمره به ترتیب جمرهٔ اول، جمرهٔ وسط وجمره عقبه زده می شود. در روز سوم عید یا دوازدهم ذوالحجه اگر پیش از غروب آفتاب، از سنگ زدن هرسه جمره فارغ شود می تواند به مکه باز گردد، این را تعجیل یعنی زود برگشتن می گویند. اما اگر قبل از غروب آفتاب نتواند سنگ بزند ویا بخواهد درمنا بماند، در این صورت شب آنجا می خوابد وفردا پیش از ظهر هرسه جمره را مانند روز قبل، سنگ می زند وبه مکه باز می گردد، اگر نتواند قبل از ظهر سنگ بزند می تواند پس از ظهر سنگ بزند و باز گردد.

اگر کسی به علت پیری ویا بیماری توان سنگ زدن را نداشته باشد، می تواند ازکسی دیگری کمک بخواهد تا به جای وی سنگ بزند.

اندازهٔ سنگچه ها به قدر یک لوبیای بزرگ ویا سرانگشت خورد می باشد. در زدن سنگ توجه شود که هر بار یک سنگ زده شود، اگر دو یا چند سنگچه یک بار زده شود، یک بار حساب می شود.

بهتر است قبل از رسیدن به محل جمرات، سنگچه ها را تهیه نماید، بهترین موقع جمع آوری سنگچه ها مزدلفه می باشد، شب که از عرفات مردم باز می گردند، در مزدلفه شب هنگام سنگچه ها را جمع، کند، معمولا ۷۰ سنگچه نیاز است، شما می توانید جهت احتیاط چند سنگچهٔ اضافی از آنجا بگیرید، چون گاهی سنگچه ها به هدف اصابت نمی کند که باید دوباره زده شود.

قربانی یا هدی

قربانی یا هدی آن است که حاجی در روز عید حیوانی را می کشد وبه دیگران توزیع می نماید، حاجی می تواند یک گوسفند یا یک بز ویا هفتم حصهٔ یک گاو یا شتر را می تواند قربانی نماید. یعنی هفت نفر می توانند در یک گاو ویا یک شترِ شریک شوند.

البته قربانی برای حاجیان، غیر از قربانی روز عید قربان است که کردن آن سنت بوده غیر از حاجیان دیگران نیز آن را انجام می دهند.

قربانی یا هدی برای حج افراد وعمره مستحب است، اما در صورت حج تمتع یا قران یا ترک واجب ویا انجام کار ممنوع، واجب می گردد.

اگر انسان بتواند بهتر است قربانی یا هدی را خودش بکشد، از گوشت آن بخورد و به فقرا توزیع نماید، اما اکنون حجاج پول قربانی را به موسسات و بانک ها تحویل می دهند، مؤسسات و بانک ها به وکالت از آنها قربانی می کنند و آن را توزیع می نمایند، مؤسسات مذکور با کمک دولت سعودی مقداری از گوشت های این حیوانات ذبح شده را به خارج از سعودی منتقل می کنند و در کشور های فقیر توزیع می نمایند.

در صورت حج تمتع وقران، قربانی واجب می شود واگر نتواند قربانی کند، ۱۰ روز روزه بگیرد، سه روز درروز های حج که آخری آن روز سوم ذوالقعده باشد و هفت روز پس از بازگشت.

روز جهانی دانشجو یا محصل ...

تمام اتباع افغانستان تامین کرده است و هیچ کسی حق ندارد دیگری را از گفتن و نوشتن به زبان مادری اش باز دارد. از سوی دیگر زبان یک ابزار افهام و تفهیم است، و نبایدآن را سیاسی کرد.

در دومین روز تظاهرات، برخی از اعضای مجلس نمایندگان نیز حضور یافتند و خواستار آرامش محصلان معترض شدند.

فوزیه کوفی، از اعضای مجلس نمایندگان گفت که از تظاهرات دانشجویان حمایت می کند اما از آنان خواست از ایجاد خشونت اجتناب کنند.

تظاهرات با اعلام این موضوع که وزیر تحصیلات عالی افغانستان برای رسیدگی به این مشکل تا روز دوشنبه این هفته مهلت خواسته، پایان یافت. اما محصلان معترض هشدار دادند در صورتی که وزیر تحصیلات عالی تا زمان تعیین شده اقدام عملی نکند، اعتراض شان را از سر می گیرند و امتحان را تحریم می کنند.

پیش از این نصب لوحه یی به زبان فارسی در دانشگاه بلخ نیز منجر به درگیری دانشجویان و پولیس شد، اما سرانجام مقامات محلی تصمیم گرفتند، لوحه جدیدی را به زبان فارسی، پشتو و انگلیسی ، در این دانشگاه نصب کنند.

زبانهای پشتو و فارسی در افغانستان به عنوان زبان های رسمی شناخته شده اند، اما ادارات دولتی همیشه با کلمهٔ فارسی دانشگاه مخالفت کرده اند.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

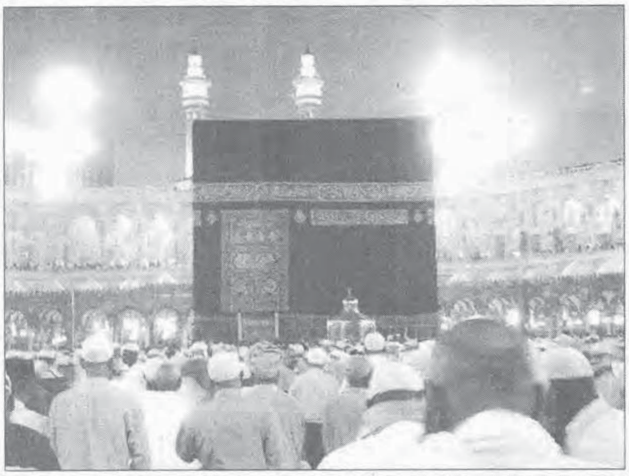
وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما
رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هفتم - شمارهٔ بیست و پنجم شنبه ۲ قوس ۱۳۸۷- ۲۳ ذوالقعده ۱۴۲۹ - 22 November 2008

احکام حج



اکنون حجاج پول قربانی را به موسسات و بانک ها تحویل می دهند، مؤسسات و بانک ها به وکالت از آنها قربانی می کنند و آن را توزیع می نمایند، مؤسسات مذکور با کمک دولت سعودی مقداری از گوشت های این حیوانات ذبح شده را به خارج از سعودی منتقل می کنند و در کشور های فقیر توزیع می نمایند.

ادامه درص۷

حاجیان امسال نیز مشکل دارند

مردم انتظار داشتند که پس از چندین سال بی برنامگی و ناتوانی دولت در زمینه مدیریت انتقال و اقامت حاجیان در عربستان سعودی، امسال این وظیفهٔ دینی بدون دشواری های سال گذشته برگزار خواهد شد، اما آن طوری که دیده می شود احتمالاً امسال نیز حاجیان مجبور اند، با همان مشکلات سال های گذشته دست و پنجه نرم کنند.

در سال های گذشته حاجیان افغانستان در میان تمام کشورهای اسلامی وضعیت اسفناک داشتند، یکی از مشکلات حاجیان سفر به عربستان و بازگشت است. دولت نمی تواند طبق برنامه و سروقت حاجیان را به عربستان سعودی منتقل سازد، هنگام سفر حاجیان مجبور می شوند، برای چندین روز در میدان های هوایی منتظر بمانند، شماری از حجاج بر اثر هوایی سرد و انتظار در میدان های هوایی که فاقد امکانات می باشد، مریض می شوند و حتا عدهٔ جان خویش را از دست می دهند، چنانچه امسال تا هنوز دو نفر حاجی در شهرکابل فوت کرده اند.

درعربستان سعودی مشکلات دیگری پیش روی حجاج قرار می گیرد، این مشکلات در عرصه های مختلف از جمله، مسکن، غذا، وسایط انتقال می باشد. خانه و هوتل هایی که در مکه و مدینه برای حجاج کرایه گرفته می شود، در مناطق دور دست قرار دارد که مشکلات زیادی در رفت و آمد حاجیان به اماکن مقدس به میان می آید.

غذایی که برای حجاج تهیه می شود، بسیار بی کیفیت و ناکافی می باشد، در سال های گذشته پولی که از حجاج برای تهیه غذا و قربانی گرفته می شد، مورد دستبرد مسؤولان قرار می گرفت، چنانچه چند سال پیش عدهٔ از این مسؤولین به این اتهام بازداشت و محاکمه شدند. گفته می شود آنها پولی را که از حاجیان برای قربانی گرفته بودند به جیب زدند.

طبق اظهارات مسؤولان وزارت حج و اوقاف، امسال حاجیان خود شان غذا تهیه می کنند و مسؤولان آن وزارت در زمینه مسؤولیتی ندارند، تنها مدیریت انتقال و تهیهٔ خانه به دوش وزارت حج واوقاف می باشد، با آن که سفر حج در آغاز کار قرار دارد مسافرت حجاج مانند سال های گذشته با بی برنامگی و تأخیر صورت گرفت، در نتیجهٔ این نارسایی که وزارت ترانسپورت در آن متهم اعلان گردیده دو نفر از حجاج در شهر کابل جان های خود را از دست دادند.

با توجه به سابقهٔ بد دولت در مدیریت سفر و تغذیهٔ حجاج، شاید بهتر باشد، تجربهٔ برخی کشورهای دیگر که امور حج در آنجا توسط شرکت های جهانگردی سازماندهی می شود، مورد مطالعه قرار گیرد، البته با توجه به این که خصوصی سازی در کشورما نتجه مطلوبی در پی نداشته، این پروسه به صورت آزمایشی و محدود روی دست گرفته شود چنانچه اگر مردم از کار چنین مؤسسات خصوصی رضایت نشان بدهند، دولت می تواند به تدریج تمام امور حج و عمره را به شرکت های خصوصی واگذار نماید و اگر مردم شیوهٔ کار آن ها را نپسندند، دولت باید راهکار و برنامهٔ جدیدی را برای سازمان دهی امور حج تحت بررسی قرار دهد.

روز جهانی دانشجو یا محصل با خشونت برگزار گردید



روزهای دوشنبه و سه شنبه ده ها تن از دانشجویان دانشگاه کابل، با راه اندازی تظاهراتی خواستار تغییر لوحه این دانشگاه شدند. این تظاهرات در پی آن به راه انداخته شد که در آستانهٔ روزجهانی محصلان نیروهای پولیس شعارهایی را که در آن واژه "دانشجو" نوشته شده بود، از دیواری های خوابگاه دانشجویان برداشت.

دانشجویان معترض می خواستند لوحه یی را که در آن دانشگاه کابل را به سه زبان نوشته بودند بر دروازهٔ ورودی دانشگاه نصب کنند. اما این عمل دانشجویان با واکنش شدید نیروهای امنیتی مواجه شد، در روز اول این تظاهرات نیروهای ضد شورش برای متفرق ساختن دانشجویان از خشونت کار گرفتند، به گفته شاهدان عینی شماری از دانشجویان مجروح شدند. اما دومین روز تظاهرات به شکل مسالمت آمیز برگزار شد، با این حال، ده ها سربازپولیس، تظاهرکنندگان را محاصره کردند.

همچنان در مقابل، شماری دیگر از محصلان در مخالفت با تغییر لوحهٔ دانشگاه کابل، مظاهره کرده و این حرکت را تحریک آمیز توصیف کردند، اما دانشجویانی که خواستار تغییر لوحه دانشگاه بودند استدلال می کردند که قانون اساسی حق تکلم به زبان مادری را برای

ادامه درص۷

رویداد های مهم هفته

کشته شدن ۵ سرباز ارتش ملی در فراه

در اثر یک برخورد مسلحانه میان شورشیان طالب و سربازان اردوی ملی در ولایت فراه پنج تن از سربازان اردوی ملی کشته شدند. فضل احمد سیار فرمانده قول اردوی ۲۰۷ ظفر گفته است که این حادثه زمانی روی داد که یک واحد گشت زنی سربازان اردوی ملی با یک کمین شورشیان برخورد کردند در پی درگیری که بعد از این حادثه روی داده به طالبان نیز تلفاتی وارد گردیده است.

طرح اریکی ازسوی مجلس سنا رد شد

طرح اریکی یا مسلح سازی اقوام که تا چندی قبل به عنوان یکی از راهبردهای مهم، مطرح گردیده بود و شماری از سناتوران نیز از آن حمایت می کردند، سرانجام روز سه شنبه ۲۸ عقرب از سوی مجلس سنا ردگردید. اکثر سناتوران به این باور رسیدند که این طرح به جای تامین ثبات به بی ثباتی کشور خواهد انجامید اما برخی از سناتوران با این عمل مجلس مخالف بودند.

برگزاری نمایشگاه انار در کابل

ده ها تولید کننده و تاجر انار افغانستان برای جستجوی بازارهای جدید خارجی برای محصول خود روز پنجشنبه ۳۰ عقرب در نمایشگاهی در کابل شرکت کردند.

برگزار کنندگان این نمایشگاه گفتند با برگزاری این نمایشگاه، سرمایه گذاران خارجی و داخلی را تشویق به سرمایه گذاری در بخش تولید و تجارت انارخواهند ساخت.

برگزارکنندگان این نمایشگاه گفتند که این نمایشگاه راه را برای محصولات آنان به سوی بازارهای بزرگ اروپایی و آمریکایی باز کند، در این نمایشگاه شماری از بازرگانان خارجی هم شرکت کردند.

فرمانده ناتو خواهان نیروی اضافی به افغانستان شد

جنرال دیوید مکیرنن فرمانده ارشد ناتو بار دیگر خواهان نیروی اضافی برای تامین امنیت در مناطق جنوبی افغانستان شد.

رسانه ها به نقل از این فرمانده گزارش داده اند که نیروی کافی برای تأمین امنیت در جنوب کشوروجود ندارد و ضرورت است تا نیروی اضافی به مناطق جنوبی کشور اعزام شود، تا امنیت در آن مناطق تامین گردد.

بازداشت یک فرمانده شورشیان در خوست

روز چهارشنبه ۲۹ عقرب نیروهای امنیتی افغانستان و قوای ائتلاف حکیم جان یک فرمانده مهم شورشیان را در قریه سیدخیل ولسوالی خوست بازداشت نمودند.

نیروهای ائتلاف با انتشار بیانیه یی گفته اند که این فرمانده شورشیان در بسیاری از حوادثی که منجر به کشته نیروهای خارجی شده دست داشته است. در اعلامیه گفته شده است که در جریان بازداشت این فرمانده درگیری صورت نگرفته است.

یک فرمانده مخالف به دولت پیوست

عبداللطیف یکی از فرماندهان مخالف دولت، روز شنبه ۲۵ عقرب با یازده تن از افراد تحت فرمانش در ولایت بادغیس به دولت یک جا شد. این فرمانده گفته است که از اثر مخالفت با یک فرمانده دیگر به طالبان پیوسته بود و در جریان بودنش با طالبان هیچ نوع عمل تخریبی بر ضد دولت انجام نداده است.

ده تن ازاعضای شبکهٔ حقانی کشته شدند

نیروهای ائتلاف ادعا کرده اند که ده تن از اعضای شبکه حقانی را در جنوب افغانستان کشته اند، هر چند تاریخ دقیق این رویداد مشخص نشده، اما این خبر روز یکشنبه ۲۶ عقرب در رسانه های نشر گردیده است، در خبر آمده است که در میان کشته گان عناصر خارجی نیز وجود دارد.